رویش روان شناسی، سال۱۰ ، شماره۶، شماره پیاپی ۶۳، شهریور ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(6), 2021

مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایزیافتگی خود با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی

Structural model of predicting marital commitment based on Self-differentiation with the mediating role of cognitive flexibility

سهیلا حسین زاده
دانشجوی دکترای تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.
دکتر نادر منیرپور (نویسنده مسئول)
استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.
دکتر مجید ضرغام حاجبی
استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.

Soheila Hoseinzadeh
Ph.D. student, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.
Dr. Nader Monirpour*
Assistant Professor, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.
nader.monirpour@gmail.com
Dr. Majid Zargham Hajebi
Assistant Professor, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین تعهد زناشویی و تمایزیافتگی خود انجام شد. روش پژوهش توصیفی- همبستگی و به شکل خاص مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل کلیه‌ی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان چالوس بودند که تعداد ۵۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های تعهد زناشویی (آدامز و جونز، ۱۹۹۷)، تمایزیافتگی خود (اسکورن و فریدلندر، ۱۹۹۸) و انعطاف‌پذیری شناختی (دنیس و واندروال، ۲۰۱۰) بودند. داده‌های به‌دست‌آمده با روش معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش مدل پژوهش در دامنه قابل قبول قرار دارند و انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه‌ی بین تعهد زناشویی و تمایزیافتگی خود نقش میانجی ایفا کرده است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، می‌توان تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی را به‌عنوان عوامل موثر در تعهد زناشویی زوجین در برنامه‌های پیشگیری و مشاوره‌ای در نظر گرفت.

واژه‌های کلیدی: *تعهد زناشویی، تمایزیافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی.*

Abstract

The present study aimed to investigate the mediating role of cognitive flexibility in the relationship between marital commitment and differentiation .The research method is descriptive-correlation and specifically modeling structural equations. The statistical population included all couples referring to counseling centers in Chalous city that 500 persons were selected by convenience sampling method. Research instruments included Marital Commitment Questionnaire (Adam and Jones, 1997), Self-Differentiation Test (Skowron & Friedlander, 1998), and Cognitive Flexibility Questionnaire (Dennis, Vander Wal, 2010). The obtained data were analyzed by the structural equation method .The results showed that that the fit indices of the research model are in the acceptable range and cognitive flexibility played a mediating role in the relationship between marital commitment and Self-Differentiation. Based on the results of the present study, self-differentiation and cognitive flexibility can be considered as effective factors in the marital commitment of couples in prevention and counseling programs.

Keywords: *Marital commitment, Self-Differentiation, Cognitive flexibility.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : آبان ۹۹** **پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی : شهریور ۱۴۰۰**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

مقدمه

ازدواج معمولاً یک رابطه‌ی نسبتاً پایدار بین زن و شوهر و به‌عنوان یک پیوند مذهبی، اجتماعی و حقوقی شناخته می‌شود که ایجادکننده تعهدات متقابل بین زوج است (جهان[1] و همکاران، ۲۰۱۷). در میان ابعاد گوناگون ازدواج، تعهد زناشویی[2] قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بین کیفیت و ثبات رابطه زناشویی شناخته می‌شود (مؤمنی جاوید و نادری نوبندگانی، ۱۳۹۳). تعهد زناشویی به معنی میل و تمایل همسر به فدا کردن نیازها و خواسته‌های شخصی است (تانگ[3] ۲۰۱۲). آدامز و جونز[4] (۱۹۹۷) بر این باورند که تعهد زناشویی را می‌توان در سه بعد نسبتاً گسترده‌ای توصیف کرد که میزان گرایش همسران به حفظ ازدواج به‌عنوان محور اساسی این ابعاد شناخته می‌شود. تعهد زناشویی می‌تواند به دلیل ارادت به همسر و رضایت از آن‌ها (تعهد به همسر[5] یا تعهد شخصی)، باور به حرمت ازدواج به‌عنوان یک نهاد مقدس (تعهد به ازدواج[6] یا تعهد اخلاقی) و یا اجتناب از مجازات مالی و اجتماعی ناشی از جدایی یا طلاق (احساس گیر افتادن[7] یا تعهد ساختاری) باشد. یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی و فردی زوجین شناخته شود (اصلانی، عبدالهی و امان الهی، ۱۳۹۶؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۴) که از آن میان می‌توان به تمایزیافتگی خود[8] و انعطاف‌پذیری شناختی[9] اشاره کرد.

نظریه تمایزیافتگی خود بوئن[10] (۱۹۷۸) بر روابط اولیه در خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌داند. تمایزیافتگی خود بیانگر این است که فرد به آن اندازه از بلوغ عاطفی رسیده باشد که بتواند با خانواده اصلی خویش ارتباط برقرار کند، بدون اینکه به روش غیرارادی و هیجانی در مواجهه با موقعیت‌های گوناگون، واکنش نشان دهد. درواقع سطح تمایزیافتگی خود هر فرد مبین میزان توانایی او در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی است. بر اساس این نظریه حداقل چهار عامل واکنش‌پذیری عاطفی[11]، گسلش عاطفی[12]، امتزاج با دیگران[13] و جایگاه-من[14] از پیش‌بینی‌کنندگان سطح تمایزیافتگی خود یک فرد هستند (بوئن، ۱۹۷۸؛ به نقل از مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵). مؤلفه‌های جایگاه من (درک روشنی از خود و کسب استقلال در افکار و باورها) و واکنش‌پذیری عاطفی (غالب شدن هیجان‌ها بر نظام منطقی-عقلانی) به‌عنوان ابعاد درون‌فردی و هم‌آمیختگی با دیگران (کاهش استقلال شخصی در روابط نزدیک به‌خصوص افراد مهم) و گریز عاطفی (تمایل به خروج از روابط نزدیک در روابط نزدیک) به‌عنوان ابعاد بین‌فردی تمایزیافتگی خود شناخته می‌شود (مازر[15] ۲۰۱۱؛ دریک[16] ۲۰۰۱). انتظار می‌رود زن و مردی که سطح تمایزیافتگی خود پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. در مقابل، در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی انعطاف‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل کرده و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند (ساداتی، مهرابی زاده هنرمند و سودانی، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهش احسان‌نیا، حیدری، زارع و داوودی (۱۳۹۸)، زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) و میلر، اندرسون و کلا[17] (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که تعهد زناشویی با تمایزیافتگی خود رابطه مثبت معناداری دارد. لمپیس، کاتادلا، بوسونرا و اسکورن[18] (۲۰۱۷) و اسکورون، استنلی و شاپیرو[19] (۲۰۰۹) نیز نشان دادند کسانی که تمایزیافتگی خود بالایی دارند، در طول زمان مشکلات روانی و تعارضات بین فردی کمتری نسبت به افراد با تمایز پایین تجربه می‌کنند.

---

1 Jahan
2 Marital commitment
3 Tang
4 Adam and Jones
5 Commitment to Spouse
6 Commitment to Marriage
7 Feelings of Entrapmen
8 Self-Differentiation
9 Cognitive flexibility
10 Bowen
11 Emotional reactivity
12 motional cut off
13 Fusion with others
14 i-position
15 Maser
16 Drake
17 Miller, Anderson and Kola
18 Lampis, Cataudella, Busonera & Skowron
19 Scuron, Stanley and Shapiro

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

از دیگر عوامل مرتبط و مؤثر بر کیفیت روابط زناشویی، انعطاف‌پذیری شناختی است (صداقت‌خواه و بهزادی‌پور، ۱۳۹۶). مارتین و اندرسون[۱](۱۹۹۸) انعطاف‌پذیری شناختی را آگاهی فرد از گزینه‌های ارتباطی و تمایل به انطباق با موقعیت و خودکارآمدی در انعطاف‌پذیری تعریف می‌کنند و بر این باورند که زوجین ناکام نقص در انعطاف‌پذیری شناختی دارند، درحالی‌که افراد با این توانمندی اطمینان بیشتری به توانایشان در ارتباط مؤثر، به‌ویژه در موقعیت‌های جدید دارند. دنیس و واندروال[۲](۲۰۱۰) سه بعد از انعطاف‌پذیری شناختی را شناسایی می‌کنند که بر اساس آن (۱) موقعیت‌های دشوار قابل‌کنترل ادراک‌شده، (۲) افراد در ارائه تبیین‌های جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان توانایی بالایی دارند و (۳) راه‌حل‌های متعددی را نیز در موقعیت‌های دشوار ارائه می‌دهند. دنیس و واندروال ابعاد مذکور را در دو عامل ادراک کنترل‌پذیری و ادراک گزینه‌های مختلف یا توجیه رفتار شناسایی و مورد تائید قرار داده‌اند که عامل دوم در اعتباریابی‌های داخلی تحت عنوان پردازش حل مسئله نام‌گذاری شده است (کهندانی و ابوالمعالی‌الحسنی، ۱۳۹۶). انعطاف‌پذیری شناختی فکر و اعمال افراد را در بازخورد به دیگران و محیط افراد متعادل کرده و بر قدرت سازگاری و بهزیستی‌اش می‌افزاید (دیکستین[۳]و همکاران، ۲۰۰۷). گزارش‌ها نشانگر آن است که افراد با تفکر انعطاف‌پذیر، از توجیهات جایگزین استفاده می‌کنند، به‌صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی کرده و موقعیت‌های چالش‌انگیز یا رویدادهای استرس‌زا را می‌پذیرند (سلطانی، شاره، بحرینیان، فرمانی، ۱۳۹۲؛ دیکستین و همکاران، ۲۰۰۷؛ هاگلوند[۴]و همکاران، ۲۰۰۷). از سوی دیگر یافته‌ها حاکی از آن است که بخش بزرگی از تعارض‌های زناشویی ناشی از تنش‌های بیرونی است (داش و تیلور،[۵] ۲۰۱۲)، بنابراین انعطاف‌پذیری می‌تواند با واسطه‌گری بین تنش‌های بیرونی و تعارض‌های زناشویی نقش ضربه‌گیر داشته باشد. یافته‌های پژوهشی نیز نشان می‌دهند که انعطاف‌پذیری شناختی با صمیمیت زناشویی (آقایی و موسوی، ۱۳۹۹) و رضایت زناشویی (صداقت‌خواه و بهزادی‌پور، ۱۳۹۶) در زوجین ارتباط دارد. فراتحلیل انجام شده نیز نشانگر آن است که ابعاد گوناگون انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی با سطوح پایین رضایت زوجین، رضایت جنسی پایین، تعارض‌های منفی بالا و پرخاشگری جسمانی همراه است (داک و راگی،[۶] ۲۰۲۰).

چندین پژوهش نشان داده است که انعطاف‌پذیری شناختی همبستگی معنی‌داری با تمایزیافتگی خود دارد (کورت و گوندوز،[۷] ۲۰۲۰؛ وزیری، قنبری پناه و تجلی، ۲۰۲۰؛ اسکندری، پژوهی نیا و ابویسانی، ۱۳۹۵). آقایی و موسوی (۱۳۹۹) نیز همبستگی بین مؤلفه‌های تمایزیافتگی خود با انعطاف‌پذیری شناختی را مثبت و معنی‌دار گزارش می‌کنند که با صمیمیت زناشویی نیز در ارتباط هستند. کورت و گوندوز (۲۰۲۰) نیز با بیان ارتباط تمایزیافتگی خود با انعطاف‌پذیری، سطوح بالای این سازه‌ها را با میزان پایین باورهای غیرمنطقی روابط عاشقانه در ارتباط می‌دانند. درمجموع با توجه به نقش ضربه‌گیر انعطاف‌پذیری شناختی در عوامل فشارزای روانی (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۵) و همبستگی مثبت آن با مؤلفه‌های زناشویی، می‌توان انتظار داشت که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بتواند بین تمایزیافتگی خود با تعهد زناشویی نقش میانجی داشته باشد.

با توجه به اینکه، ازدواج مهم‌ترین عرف و رسم معمول در تمام جوامع است و به دلیل نقش مهم آن در فراهم‌سازی زیربنای تشکیل خانواده و همچنین اهمیت جایگاه تعهد در حفظ، پایداری و سلامت روابط زناشویی در زندگی زوجین، انجام پژوهش‌های در جهت شناسایی عوامل مرتبط و مؤثر در تعهد و تداوم روابط زوجین ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اهمیت این مساله و همچنین ادبیات پژوهشی که در فوق ذکر شد، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی است.

روش

این پژوهش از نوع توصیفی است که در قالب معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان چالوس بود که تعداد ۲۵۰ زوج (۵۰۰ نفر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرایط شرکت در پژوهش علاوه بر رضایت داوطلب، رده سنی ۲۰ تا ۶۰ سال، حداقل تحصیلات دیپلم، عدم سابقه دریافت زوج‌درمانی و گذشتن حداقل دو

18 Martin & Adnerso
19 Dennis, Vander Wal
1 Dickstein
2 Haglund
3 Dush and Taylor
4 Daks,Rogge
5 Kurt, Gunduz

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

سال از مدت تأهل آنان بود. برای اجرا پس از کسب رضایت، پرسشنامه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و راهنمایی لازم جهت تکمیل آن صورت پذیرفت. برای تحلیل داده‌های پژوهش از نسخه ۲۵ نرم‌افزار SPSS-AMOS استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه تعهد زناشویی[۱](DCI): این پرسشنامه در سال ۱۹۹۷ توسط آدامز و جونز برای سنجش تعهد زوجین نسبت به همسر و ازدواجشان ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۴۴ پرسش است که در یک مقیاس پنج‌درجه‌ای ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) سه بعد تعهد زناشویی شامل تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد ساختاری یا احساس گیر افتادن را می‌سنجد. نمره‌گذاری سؤالات ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۸ به‌صورت معکوس انجام می‌شود دامنه کلی نمره افراد بین ۱ تا ۲۲۰ است که نمره بالاتر در این پرسشنامه بالا بودن تعهد کلی زوجین را نشان می‌دهد. آدامز و جونز (۱۹۹۷) پایایی هر یک از مقیاس‌های تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد ساختاری را به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹ و ۰/۸۶ گزارش می‌کنند. عباسی مولید، بهرامی و قمرانی (۱۳۸۸) با بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار روایی محتوایی آن را با استفاده از ضریب کاپا ۰/۹۰ گزارش می‌کنند. همچنین ضریب همبستگی زیر مقیاس‌ها با کل آزمون نیز در دامنه‌ی ۰/۶۶ تا ۰/۸۱ بوده است که نشانگر تائید روایی سازه است. ضرایب آلفای آزمون برای خرده مقیاس‌های تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد ساختاری نیز به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۸۳ و ۰/۷۹ ذکر شده که نشانگر پایایی مناسب ابزار است (به نقل از عباسی مولید، فاتحی زاده و قمرانی، ۱۳۹۲).

آزمون تمایزیافتگی خود[۲](DSI-2): این پرسشنامه نخستین بار توسط اسکورن و فریدلندر[۳](۱۹۹۸) با ۴۳ سؤال طراحی و اجرا شد. سپس توسط اسکورن و اسمیت[۴](۲۰۰۳) مورد بازبینی قرار گرفت و با ۴۶ سؤال و ۴ عامل تنظیم شد و به‌منظور سنجش میزان تمایزیافتگی خود افراد به کار می‌رود. تمرکز اصلی آن بر روابط مهم زندگی و ارتباطات جاری افراد با خانواده اصلی آن‌هاست. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت و در یک طیف ۶ گزینه‌ای درجه‌بندی شده و از ۴ خرده مقیاس گسلش عاطفی، واکنش هیجانی، امتزاج با دیگران و موقعیت من تشکیل شده است. در پژوهش اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) ضریب اعتبار کل آزمون ۰/۹۲ به‌دست آمده است. یوسفی با بررسی شاخص‌های روان‌سنجی، روایی سازه این پرسشنامه را قابل‌قبول گزارش کردند. به طوری که عامل‌های استخراج شده از اعتبار بالایی برخوردار بودند. همچنین ضریب همسانی درونی برای کل آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ و دونیمه کردن به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۸۸ گزارش شد (یوسفی، ۱۳۹۱). در مطالعه حاضر نیز همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی[۵](CFI): این پرسش‌نامه توسط دنیس و واندروال (۲۰۱۰) ساخته شده است که یک ابزار خود گزارشی ۱۹ سؤالی است که دو بعد پردازش حل مسئله (۱۳ گویه) و ادراک کنترل‌پذیری (۶ گویه) و سه جنبه از انعطاف‌پذیری شناختی یعنی "میل به درک موقعیت‌های سخت به‌عنوان موقعیت‌های قابل‌کنترل"، "توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان‌ها" و " توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برای موقعیت‌های سخت" را می‌سنجد. دنیس و واندروال (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که این پرسشنامه از ساختار عاملی، روایی همگرا و روایی هم‌زمان مناسبی برخوردار است. در ایران ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس توسط کهندانی و ابوالمعالی‌الحسنی (۱۳۹۶) مورد بررسی قرار گرفته است. همسانی درونی نمره‌ی کل این پرسشنامه معادل ۰/۸۹۳ گزارش‌شده است. همچنین نمره‌ی کل آزمون پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی و دو عامل پردازش حل مسئله و ادراک کنترل‌پذیری، رابطه‌ی منفی معناداری با نمره کلی آزمون افسردگی بک داشته است که نشان از تائید شاخص‌های روان‌سنجی این ابزار است (کهندانی و ابوالمعالی‌الحسنی، ۱۳۹۶). در مطالعه حاضر نیز برای اطمینان از همسانی درونی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار ۰/۸۵ به دست آمد.

یافته‌ها

۱ Marital Commitment Questionnaire
۲ Self-differentiation test
3 Skowron &Friedlander
4 Schmitt
۵ Cognitive flexibility questionnaire

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

در مطالعه حاضر ۲۵۰ زوج (۲۵۰ زن و ۲۵۰ مرد) شرکت داشتند. میانگین سنی زنان شرکت‌کننده در این مطالعه ۲۸/۲ و مردان ۲۹/۸ سال بود. جدول ۱ سایر اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در مطالعه

		زوجین سازگاری	
		زن	مرد
سن	کمتر از ۲۵ سال	(۲۸/۸)۷۲	(۱۸)۴۵
	۲۵ تا ۳۰ سال	(۵۰)۱۲۵	(۵۲)۱۳۰
	۳۰ و بالاتر	(۲۱/۲)۵۳	(۳۰)۷۵
مجموع		(۱۰۰)۲۵۰	(۱۰۰)۲۵۰
تحصیلات	دیپلم	(۳۲)۸۰	(۳۰)۷۵
	فوق‌دیپلم	(۱۴/۴)۳۶	(۱۶)۴۰
	لیسانس	(۴۰)۱۰۰	(۳۹/۲)۹۸
	فوق‌لیسانس و بالاتر	(۱۳/۶)۳۴	(۱۴/۸)۳۷
مجموع		(۱۰۰)۲۵۰	(۱۰۰)۲۵۰
شغل	شاغل	(۴۲)۱۰۵	(۷۹/۲)۱۹۸
	خانه‌دار- بیکار	(۵۸)۱۴۵	(۲۰/۸)۵۲
مجموع		(۱۰۰)۲۵۰	(۱۰۰)۲۵۰

جدول ۲ میانگین، انحراف معیار، ضرایب چولگی و کجی متغیرها را نشان می‌دهد. دامنه‌ی شاخص‌های کجی و چولگی (۲+ تا ۲-) بیانگر آن است که توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال است.

جدول (۲): شاخص‌های آماری توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کجی
هم‌آمیختگی با دیگران	۳۰/۱۳	۶/۷۶	۰/۰۷	۰/۰۶
واکنش‌پذیری هیجانی	۳۶/۹۰	۵/۸۹	۰/۱۴	-۰/۳۹
گریز هیجانی	۴۳/۴	۶/۷۳	۰/۰۸	-۰/۲۷
جایگاه من	۳۲/۰۱	۷/۲۳	۰/۰۹	-۰/۴۲
تمایزیافتگی (کل)	۱۲۸/۱۸	۱۸/۰۲	۰/۱۷	۱/۰۹
پردازش حل مسئله	۴۴/۱۸	۵/۳۰	۱/۳۲	۰/۳۹
ادراک کنترل‌پذیری	۲۱/۲۹	۳/۲۹	۱/۱۵	۱/۰۱
انعطاف‌پذیری (کل)	۸۹/۰۲	۱۷/۱۳	۱/۰۷	۰/۸۷
تعهد به همسر	۳۶/۱۷	۶/۱۲	۰/۰۸	۰/۷۲
تعهد به ازدواج	۳۹/۰۸	۷/۶۶	۰/۵۵	۱/۷
تعهد ساختاری	۴۳/۰۳	۸/۱۳	۰/۴۷	-۰/۳۳
تعهد زناشویی (کل)	۱۱۲/۰۳	۱۵/۹۸	۰/۰۹	۰/۲۳

جهت بررسی همبستگی میان متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

جدول (۳): ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	تعهد زناشویی	انعطاف‌پذیری شناختی	تمایزیافتگی خود
۱	تعهد زناشویی	۱	-	-
۲	انعطاف‌پذیری شناختی	۰/۴۷**	۱	-
۳	تمایزیافتگی خود	۰/۴۹**	۰/۷۸**	۱

**P< ۰/۰۱

بر اساس جدول شماره ۳ می‌توان گفت که بین تعهد زناشویی با انعطاف‌پذیری شناختی و تمایزیافتگی خود همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. همچنین، بین انعطاف‌پذیری شناختی با تمایزیافتگی خود همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

با هدف آزمون مدل پیشنهادی از مدل‌یابی معادلات ساختاری با روش حداکثر درست‌نمایی استفاده شد که شاخص‌های متعددی از قبیل کای اسکور (CMIN)، ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RMSEA)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش هنجارشده (NFI) استفاده شده است. ازلحاظ دامنه مطلوب، مقدار سه شاخص CFI، NFI و GFI می‌تواند بین ۰ و ۱ باشد. بااین‌حال، مقادیر ۰/۹۵ و بالاتر قابل‌قبول فرض می‌شود و نشانگر تائید مدل است. در رابطه با RMSEA نیز کمتر از ۰/۰۸ بیانگر برازش خوب و بیشتر از ۰/۱۰ را گویای برازش ضعیف بیان کرده‌اند. شاخص‌های برازش مدل ساختاری در جدول ۴ نمایش داده شده است.

جدول (۴): شاخص‌های برازش مربوط به الگوی پیشنهادی پژوهش

الگو	X^2/ df	P	GFI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۱/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۰۷

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش هنجارشده (NFI) در دامنه‌ی قابل‌قبول قرار دارند؛ همچنین تقریب ریشه میانگین مجذور خطا (RMSEA) نیز کمتر از میزان ۰/۰۸ است که بیانگر برازش قابل‌قبول مدل است. ضرایب مسیر مستقیم مسیرها برای مدل نهایی در نمودار ۱ ارائه شده است. سپس، در جدول ۵ به ارائه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثر کل مسیرها پرداخته شده است.

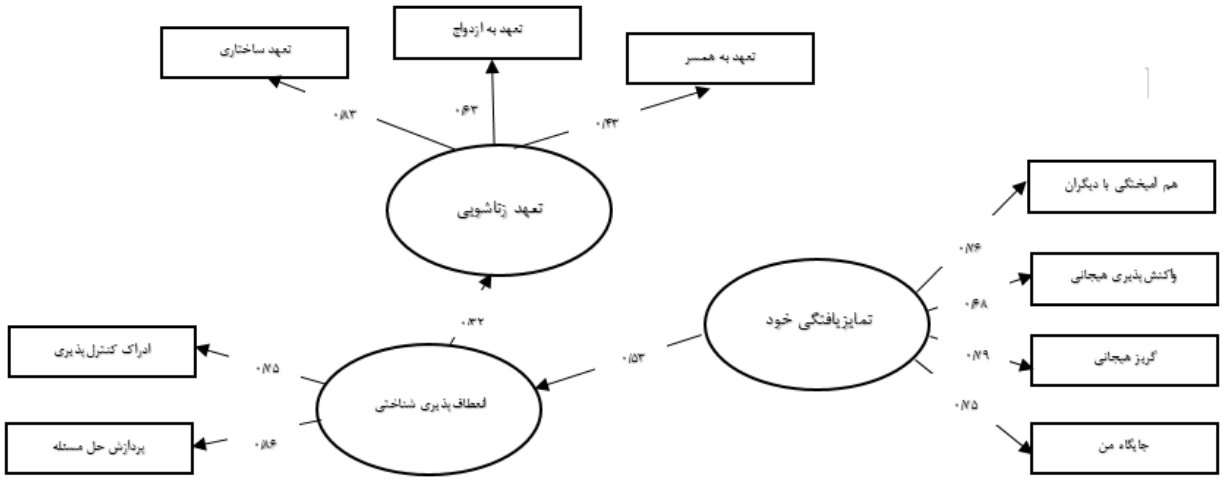

نمودار ۱. مدل ساختاری تعهد زناشویی بر اساس تمایزیافتگی خود با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

جدول (۵): ضرایب و واریانس تبیین شده مربوط به رابطه تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی با میانجی‌گری انعطاف‌پذیری شناختی

مسیرهای موجود در الگو	تأثیرات			سطح معناداری	واریانس تبیین شده (R^2)
	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثرات کل		
تمایزیافتگی خود-> انعطاف‌پذیری شناختی	۰/۵۳	-	۰/۵۳	۰/۰۴*	۰/۴۵
انعطاف‌پذیری شناختی->تعهد زناشویی	۰/۳۲	-	۰/۳۲	۰/۰۰۹**	
تمایزیافتگی خود-> تعهد زناشویی	۰/۲۹	۰/۱۷	۰/۴۶	۰/۰۲*	

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، انعطاف‌پذیری شناختی توانسته است در رابطه‌ی تمایزیافتگی خود با تعهد زناشویی نقش میانجی معناداری داشته باشد ($P\leq$۰/۰۵). ضریب بتای مسیر غیرمستقیم تمایزیافتگی خود به تعهد زناشویی برابر ۰/۱۷ است. به‌طورکلی ۴۵ درصد از واریانس تعهد زناشویی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی و تمایزیافتگی خود پیش‌بینی‌شده است؛ بنابراین رابطه غیرمستقیم تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی مورد تائید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر ارائه مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایزیافتگی خود با نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی بود. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی به طور معناداری توان پیش‌بینی تعهد زناشویی را دارند. همچنین انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه‌ی بین تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی نقش میانجی داشت. پیش‌بینی تعهد زناشویی از طریق تمایزیافتگی خود با یافته‌های احسان‌نیا و همکاران (۱۳۹۸)، زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) و میلر و همکاران (۲۰۰۴) همسو است. پیش‌بینی تعهد زناشویی از طریق انعطاف‌پذیری شناختی نیز با یافته‌های آقایی و موسوی (۱۳۹۹)، داک و راگی (۲۰۲۰) و صداقت‌خواه و بهزادی‌پور (۱۳۹۶) همسو است. همچنین پیش‌بینی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی از طریق تمایزیافتگی با یافته های اسکندری و همکاران (۱۳۹۵)، کورت و گوندوز (۲۰۲۰) و وزیری و همکاران (۲۰۲۰) همسو است.

با توجه به مؤلفه‌ی واکنش‌پذیری عاطفی که بخشی از تمایزیافتگی درون‌فردی خود شناخته می‌شود، می‌توان چنین استنباط کرد که تمایزیافتگی خود موجب می‌شود که زوجین تعادل مناسبی را بین تعلق و تمایز برقرار کنند؛ یعنی در کنار اینکه می‌توانند با همزیستی بهنجار از منابع عاطفی و حمایتی دیگران در چالش‌های زندگی استفاده کنند، بااین‌حال کارکرد عقلانی-منطقی آن‌ها تحت تأثیر هیجان‌ها قرار نمی‌گیرد و تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی خواهند بود. درنتیجه احساس و تصمیم‌های دیگران را در زندگی زناشویی خویش دخالت نمی‌دهند که این رفتار حاوی پیامی از تعهد و پختگی برای طرف مقابل خواهد بود. بااین‌حال، متمایز کردن فرایند عقلانی و احساسی به معنای شدت عینی‌گرا بودن و توقف اظهار عاطفی نیست، بلکه منظور این است که افراد نباید تحت تأثیر احساساتی قرار بگیرند که به‌درستی آن‌ها را درک نمی‌کنند. در نظریه سیستم‌های خانواده کلید سلامت روان یک شخص در برخورداری او از هر دو حس، یعنی تعلق به خانواده و تمایزیافتگی نهفته است (زارعی و حسینقلی، ۱۳۹۲)، مفهومی که شباهت نزدیکی به مؤلفه‌ی "جایگاه من" در تمایزیافتگی خود دارد. همچنین می‌توان گفت افرادی که تمایزیافتگی خود بالایی دارند توانایی بیشتری برای اجتناب از ادغام در عواطف ناخوشایند محیطی دارند. درنتیجه با اجتناب از هیجان‌های منفی و برخورداری از هیجان‌های مثبت، دامنه‌ی تفکر و عمل لحظه‌ای گسترده‌ای را کسب می‌کنند (فردریکسون و لوسودا[1] ۲۰۰۵) که می‌تواند با افزایش راه‌حل‌های سازنده و انعطاف‌پذیری همراه باشد. درواقع می‌توان چنین استنباط کرد، فردی که از جایگاه من بالا و هم‌آمیختگی پایین برخوردار است، با تفکیک خود از تصمیم‌ها و تعارض‌های هیجانی دیگران، خزانه‌ی شناختی وسیع‌تری را پرورش می‌دهد که بستر را برای انعطاف‌پذیری شناختی فراهم می‌سازد.

توانایی پردازش حل مسئله، به‌عنوان مؤلفه انعطاف‌پذیری شناختی، موجب می‌شود که افراد راهبردهای منعطف و مؤثری برای مواجهه با چالش‌های زندگی زناشویی خویش داشته باشند؛ درنتیجه خزانه‌ی رفتاری وسیعی را نیز خواهند داشت که امکان پاسخ‌های مناسب را فراهم می‌سازد. ازاین‌رو در تعارض‌هایی که ممکن است به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تهدیدی برای زندگی و تعهد زناشویی باشد عملکرد

[1] Fredrickson & Losada

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

سازگارانه‌ای خواهند داشت. نتایج مطالعات مشابه نیز حاکی از آن است که افرادی با تفکر انعطاف‌پذیر، از توجیهات جایگزین استفاده می‌کنند و چارچوب فکری خود را به شکل مثبت بازسازی می‌کنند (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ دیکستین و همکاران، ۲۰۰۷؛ هاگلوند و همکاران، ۲۰۰۷)، بنابراین موقعیت‌های چالش‌انگیز یا رویدادهای استرس‌زا را می‌پذیرند. در این شرایط می‌توان انتظار داشت تنش‌های خانوادگی کمتر روی دهد و در صورت وجود اختلافات، زوجین با انعطاف‌پذیری بالا توانایی بیشتری برای حل مسئله خواهند داشت. همچنین می‌توان گفت تحول سطح بهینه‌ای از واکنش‌پذیری عاطفی با تسلط بیشتر نظام منطقی-عقلانی در فرد همراه می‌شود که نتیجه آن کنترل بیشتر بر چالش‌های زندگی خواهد بود. بنابراین ادراک کنترل‌پذیری بالا، به‌عنوان مؤلفه دیگر انعطاف‌پذیری شناختی در افراد موجب می‌شود که موقعیت‌های پرتنش زندگی برای زوجین قابل‌کنترل ادراک شود، درنتیجه آن‌ها تسلط بیشتری بر تنش‌های زندگی خواهند داشت. درنهایت فشارزاهای زندگی، کمتر می‌تواند صمیمیت و تعهد زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار دهد. یافته‌های پژوهشی نیز حاکی از آن است که زیان‌بخش‌ترین متغیرها برای روابط صمیمانه، عوامل فشارزای خفیف و مزمن بیرونی هستند که به تعاملات صمیمانه سرایت می‌کنند، درنتیجه تنش‌ها و تعارض در بین زوج‌ها، بیگانگی میان آن‌ها را سرعت می‌بخشند (داش و تیلور[1] ۲۰۱۲). همچنین با توجه به نقش صمیمیت زناشویی در پیش‌بینی تعهد زناشویی (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۵) می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری نه‌تنها با میانجی‌گری بین تمایزیافتگی خود و تعهد زناشویی، بلکه به‌واسطه‌ی نقش ضربه‌گیری در مقابل تنش‌ها و چالش‌های روانی، تعهد زناشویی را قوام می‌بخشد. پس می‌توان انتظار داشت که در زمان ایجاد تنش‌های زندگی، افرادی که به‌واسطه انعطاف‌پذیری شناختی از سبک‌های سازگارانه‌ای استفاده می‌کنند، بهتر می‌توانند بر مشکلات فائق آمده و مانع استهلاک در روابط بین فردی، کاهش صمیمیت و نهایتاً از بین رفت تعهد زناشویی شوند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مانند در دسترس بودن گروه نمونه و استفاده صرف از پرسشنامه مواجه بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و استفاده از سایر روش‌های جمع‌آوری داده‌ها مانند مصاحبه، تعمیق بیشتری بر یافته‌ها پژوهشی بدهند. درمجموع، با توجه به اینکه تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری از متغیرهای مرتبط و مؤثر با تعهد زناشویی شناخته می‌شود و با توجه به نقش بنیادین تعهد زناشویی در حفظ انسجام و ساختار خانواده پیشنهاد می‌شود مطالعات و مداخلات موجود توجه بیشتری به تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی نشان دهند.

منابع

احسان‌نیا، آتنا؛ حیدری، حسن؛ مهدی، زارع بهرام‌آبادی؛ داوودی، حسین. (۱۳۹۸). نقش میانجی‌گری تمایزیافتگی خود در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی با تعهد زناشویی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۷(۴)*، ۷۱۴-۷۰۵.

اسکندری حسین، پژوهی نیا شیما و ابویسانی یلدا (۱۳۹۵). تبیین مشکلات روانی مبتنی بر انعطاف‌پذیری شناختی و تمایزیافتگی خود. *فصلنامه شفای خاتم*. ۴ (۳)، ۲۷-۱۸.

اصلانی، خالد؛ عبدالهی، نیره؛ امان الهی، عباس. (۱۳۹۶). رابطه سبک دل‌بستگی با تعهد زناشویی با میانجی‌گری تمایزیافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره. ۱۶* (۶۱)، ۲۲۰-۱۹۱.

آقایی، آلاله، موسوی؛ مسیده، مریم. (۱۳۹۹). رابطه سبک‌های دل‌بستگی با تمایزیافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی و صمیمیت زناشویی در دانشجویان. نشریه علمی *رویش روان‌شناسی، ۹(۲)*، ۱۱۶-۱۰۹.

حسینی، امین؛ زهراکار، کیانوش؛ داورنیا، رضا؛ شاکرمی، محمد؛ محمدی، بهناز (۱۳۹۴). رابطه تعهد زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۲(۵)، ۷۹۶-۷۸۸.

زارعی، سلمان و حسینقلی، فاطمه. (۱۳۹۳). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایزیافتگی خود در دانشجویان متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۱)، ۱۰۳-۱۱۳.

ساداتی، سیداحسان؛ مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز؛ سودانی، منصور (۱۳۹۳). رابطه علی تمایزیافتگی، نوروزگرایی و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. *روانشناسی خانواده، ۱ (۳۱)*، ۵۵-۶۸.

سلطانی، اسماعیل؛ شاره، حسین؛ بحرینیان، سید عبدالمجید؛ فرمانی، اعظم (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط‌های بین سبک‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری با افسردگی. *پژوهنده*، ۲(۹۲)، ۸۸-۹۶.

شاه‌سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، ۱۱* (۳)، ۲۳۳-۲۳۸.

1 Dush and Taylor

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]

صداقت‌خواه عاطفه؛ بهزادی‌پور، ساره (۱۳۹۶). پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، ذهن آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی. *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، ۸(۳۰)*، ۷۷-۵۷.

عباسی مولید، حسین؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ قمرانی، امیر. (۱۳۹۲). تأثیر زوج‌درمانی گلاسر بر افزایش تعهد اخلاقی زوجین. *فصلنامه علمی، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۰* (۲۵)، ۸۰-۵۹.

عباسی مولید، حسین؛ بهرامی، فاطمه؛ قمرانی، امیر. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین تعهد زناشویی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در زوجین شهر اصفهان. مجموعه مقالات دومین همایش کشوری مشاوره، رشد و پویایی، تهران: دانشگاه الزهرا، اردیبهشت ۱۳۸۸.

کهندانی، مهدیه؛ ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی دنیس، وندروال و جیلون .*فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۸ (۲۹)، ۷۰-۵۳.

مؤمنی جاوید، مهرآور؛ نادری نوبندگانی، زهرا (۱۳۹۳). *روابط فرا زناشویی؛ علل، پیامدها، نظریه و درمان*. تهران: انتشارات شباهنگ.

مؤمنی، خدامراد، کاوسی‌امید، سکینه؛ امانی، رزیتا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایزیافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده و صمیمیت زناشویی. *آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲ (۱)، ۶۰-۴۸.

هادی، سعیده؛ اسکندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله؛ فرخی، نورعلی (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در افراد دارای روابط فرا زناشویی عاطفی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۷(۲۸)،۳۴-۶۰.

یوسفی، ناصر. (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی خانوادگی تفکیک خویشتن (DSI-2). *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱* (۱)، ۱۹-۳۸.

Adams, J.M. &Jones, T. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*,72, 1177-1196.

Bowen,M. (1978). Family therapy in clinical practice. New York: Aronson.

Daks, Jennifer & Rogge, Ronald. (2020). Examining the Correlates of Psychological Flexibility in Romantic Relationship and Family Dynamics: A Meta-Analysis. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 18, 214-238.

Dennis, J. P, & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive therapy and research*, 34(3), 241-253.

Dickstein, D. P, Nelson, E, McClure, E. B, Grimley, M. E, Knopf, L, Brotman, M. A, Rich, B. A, Pine, D. S, & Leibenluft, E. (2007).Cognitive flexibility in phenotypes of pediatric bipolar disorder.*Child adolesc*, 46(3), 341-355.

Drake, J. R. (2011). Differentiation of Self Inventory –Short Form: Creation& Initial Evidence of Construct Validity. *PhD Dissertation*, University of Missouri-Kansas City.

Dush, C. M. K. & Taylor, M. G. (2012). Trajectories of marital conflict across the life course: Predictors and interactions with marital happiness trajectories. *Journal of family issues*, *33*(3), 341.

Dush, C. M. K, & Taylor, M. G. (2012). Trajectories of marital conflict across the life course: Predictors and interactions with marital happiness trajectories. *Journal of family issues*, *33*(3), 341.

Fredrickson, B. L, & Losada, M. F. (2005). Positive affect and the complex dynamics of human flourishing. *American psychologist*, *60*(7), 678.

Haglund, M, Nestadt, P.S, Cooper, N.S, Southwick, S.M, Charney, D.S. (2007). Psychobiological mechanisms of resilience: relevance to prevention and treatment of stress related psychopathology. *Dev Psychopathological*, 19(3), 889-920

Jahan, Y, Chowdhury, A.S, Atqur Rahman, S. M, Chowdhury, S, Khair, Z, Ehsanul Huq, K. A. T. M, Moshiur, R. (2017). Factors involving extramarital affairs among married adults in Bangladesh. *International Journal of Community Medicine and Public Health*, 4(5), 1379-1386.

Kurt, A. A. & Gündüz, B. (2020). The Investigation of Relationship Between Irrational Relationship Beliefs, Cognitive Flexibility and Differentiation of Self in Young Adults. *Çukurova Üniversitesi Eğitim Fakültesi Dergisi*, *49*(1), 28-44.

Lampis, J, Cataudella, S, Busonera, A, & Skowron, E. A. (2017). The role of differentiation of self and dyadic adjustment in predicting codependency. *Contemporary Family Therapy*, *39(1)*, 62-72.

Martin, M. M. & Anderson, C. M. (1998). The cognitive flexibility scale: Three validity studies. *Communication Reports, ۱۱(۱)*, ۱-۹.

Maser, M. J. (2011). A Construc Validity of Differentiation of Self Measures & their Correlates. *PhD Dissertation*, Seton Hall University.

Miller, R.B, Anderson,S, & Keala, D.K. (2004). Is Bowen theory valid? A review of basic research.*Journal of marital and family therapy*, 30, 453- 470.

Skowron, E. A, & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 235–246.

Skowron, E. A, & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of marital and family therapy*, 29(2), 209-222.

Skowron, E. A, Stanley, K. L, & Shapiro, M. D. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. *Contemporary Family Therapy*, 31(1), 3-18.

Tang, C. Y. (2012). Routine housework and tripartite marital commitment. *Personal Relationships*, 19(3), 483-503.

Vaziri, C, Ghanbaripanah, A, & Tajalli, P. (2021). Modeling the Cognitive Flexibility and Academic Engagement based on Self-Regulation, Psychological Hardiness and Self-Differentiation with Mediation of Family Functioning in High School Students. *International Journal of Pediatrics*, 9(3), 13281-13295.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-17]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.2.2]